

متن پرسش

سلام خدمت استاد عزیز: پرسشگر سوال ۲۳۱۱۱ هستم که سوالاتم مربوط به عدل الهی و فلسفه‌ی خلقت بود. متأسفانه قانع نشدم. مباحثی که راجع به امکان ذاتی مطرح کردید، اصلاً قانع کننده نیست. خصوصاً که یک آیه از قرآن با این امکان و طلب ذاتی در تضاد است. در جواب سوال یکی از کاربران فرموده بودید که شأن خداوند اجل از این است که قبل از جنایت، قصاص بکند؛ یعنی کسی را که علم دارد اهل جهنم است، قبل از به فعلیت رسیدنش، او را خلق نکند. ولی این با آیه از قرآن تطابق ندارد که حضرت خضر پس از کشتن آن نوجوان، در جواب اعتراض حضرت موسی به او گفت: «و اما الغلام فکان ابواه مومنین فخشینا ان یرهقهما طغیاناً و کفراً.» من کاری به این بحث ندارم که حضرت خضر مأمور به باطن است یا ظاهر، ولی ایشان به هر حال مأمور الهی بود و دلیل کارش را هم اینگونه بیان می‌کند که او اگر زنده بماند، پدر و مادرش را به طغیان و کفر می‌کشاند. مسلماً آن نوجوان الآن در بهشت است. ولی آیا تمام کسانی که عاقبت به شر شدند و اهل آتش، نمی‌توانند به این آیه استدلال کنند که خدایا تو که می‌دانستی ما اهل آتش می‌شویم پس چرا ما را خلق کردی و اگر هم خلق کردی پس چرا مثل همان نوجوان، ما را قبل از تکلیف از این دنیا نبردی؟ این آیه را دیگر چطور با بحث طلب و امکان ذاتی جمع می‌کنید؟ استاد! من نه فیلسوفم نه عارفم و نه متکلم؛ بلکه یکی از همین جوانان گناه آلود دوره‌ی آخرالزمان هستم که حالم از خلقت و آفرینش و این بدبختی‌ها و فلاکت‌ها به هم می‌خورد. ظاهراً خلقت به نام انسان است و به کام خدا! ما باید بدبختی و فلاکت و رنج بکشیم تا جناب خدا اسمائشان به ظهور برسد! آن وقت جالبش هم اینجاست که باید صبر و استقامت هم داشته باشیم و راضی هم باشیم به رضای خدا و دم نزنیم! چه حکمتی در خلقت این کمیت شگفت آور از انسانها وجود دارد با اینکه اکثر آنها - از جمله خودم - مانند حیوانات زندگی می‌کنند و اصلاً نمی‌دانند برای چه آفریده شده‌اند؟ و در آخر هم اکثرشان باید به جهنم بروند تا جایی که خود قرآن می‌گوید: «یوم نقول لجهنم هل امتلأت و نقول هل من مزید؟!» استاد عزیز! ما که اهل مناجات و نماز شب و راز و نیاز با خدا نیستیم ولی آگه شما هستی حتماً و حتماً به سوالی رو از طرف من از خدا بپرس: «خدایا راستی آگه خودت جای ما بودی با این همه غرائز و هوا و هوس‌های رنگارنگ، بهشتی می‌شدی یا جهنمی؟» حتماً این سوال رو در خلوتتون از خدا بپرسید و آگه جوابی شنیدید بهم بگید. یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بد نیست ابتدا به این نکته فکر کنید که بالاخره مائیم و چنین حضوری در این عالم و ابدیتی که در پیش رو داریم و باید تلاش کنیم آن را برای خود آباد نماییم، آن هم در نظامی و عالمی که خداوند درمقابل ما قرار داده و ما را در آن خلق کرده. انسان عاقل در چنین شرایطی چگونه عمل می‌کند تا ابدیت خود را آباد نگه دارد؟ در رابطه با این نگاه است که شاعر می‌گوید: «در کف شیر نر خونخواره‌ای / غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای» وگرنه، نه خدا شیر خونخواره است و نه ما راههایی در این دنیا به سوی سعادت نداریم. البته از طرف دیگر خداوند به ما خواهد گفت اگر من جای شما بودم، نوعی خود را به عنوان انسان تعریف می‌کردم که علی «علیه‌السلام» در نامه به فرزندشان، انسان را تعریف کردند و در آن نحوه تعریف، بسیاری از این اعتراضات فرو می‌نشست. ۲. در روایت داریم آن فردی که حضرت خضر «علیه‌السلام» مأمور به قتل‌رساندن او بودند، شخصی بود که موجب آزار بسیاری می‌شد و در روایت، نحوه‌ی آزارهای او را نیز آورده‌اند. موفق باشید